

نشست علمی کارشناسی

مرکز مطالعات راهبردی خلیج فارس
(دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه
شیراز)

با همکاری
انجمن ایرانی مطالعات منطقه‌ای
(کارگروه جنوب آسیا)
و
انجمن علوم سیاسی ایران
(میز افغانستان)

۱۸ آذر ۱۳۹۹

گزارش کامل



نشست علمی-کارشناسی

چشم انداز صلح در افغانستان

وبینار با حضور



دکتر غلام یحیی طاهری
دانشگاه غرjestان کابل



دکتر جعفر حق پناه
دانشگاه تهران



مرکز مطالعات راهبردی خلیج فارس دانشکده حقوق و علوم سیاسی
دانشگاه شیراز با همکاری انجمن ایرانی مطالعات منطقه‌ای و انجمن
علوم سیاسی ایران (میز افغانستان) برگزار می‌کند

نشست مجازی

«چشم انداز صلح در افغانستان»



سخنرانان



دکتر جعفر حق پناه؛ استادیار مدعو مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران
(مدیر میز افغانستان در انجمن علوم سیاسی ایران)



دکتر غلام یحیی طاهری؛
رئیس دانشکده حقوق و علوم سیاسی غرjestان کابل

دبیر نشست



امیر صادقی بکیانی؛
مرکز مطالعات راهبردی خلیج فارس

گزارش کامل

نشست علمی-کارشناسی "چشم‌انداز صلح در افغانستان" از سوی مرکز مطالعات راهبردی خلیج فارس دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز و با همکاری انجمن ایرانی مطالعات منطقه‌ای (کارگروه جنوب آسیا) و میز افغانستان انجمن علوم سیاسی ایران در روز ۱۸ آذر ۱۳۹۹ با سخنرانی دکتر جعفر حق پناه استادیار مدعو گروه مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران و دکتر غلام یحیی طاهری رییس دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه غرjestان کابل برگزار شد. دبیر نشست امین صادقی بکیانی از مرکز مطالعات راهبردی خلیج فارس بودند.

در ابتدای نشست دکتر جعفر حق پناه با اشاره به تجربه کردها در عراق گفتند: «طالبان با حفظ و ادامه برداشت سستی که نسبت به جامعه و سیاست دارد همچنان به دنبال ایجاد امارت اسلامی است که البته دولت مرکزی افغانستان این ایده را نمی‌پذیرد و تحقق این مساله یعنی نفی حاکمیت کابل و همه تلاش‌هایی که از سال ۲۰۰۳ تاکنون برای برپایی یک دولت ملی صورت گرفته است».

دکتر حق پناه ادامه حیات طالبان را وابسته به حمایت‌های خارج از افغانستان دانستند و چنین تشریح کردند: «نیروهای تجدیدنظرطلب مانند طالبان به پشتیبانی خارجی نیاز دارند. هر چند که طالبان پشتوانه نیرومند داخلی هم دارد ولی بدون پشتیبانی خارجی قادر به کنشگری فعال نیست همانطور که وقتی ایران عصر پهلوی در دهه ۱۹۷۰ پشتیبانی خود را از کردها برداشت، این موضوع سرانجام به سرکوب جنبش کردهای عراق منجر شده و حتی جنبش کردی ترکیه هم چنین سرنوشتی پیدا کرد».

ایشان در ادامه با این توضیح که طالبان در ولایات پشتون نشین و جنوب، به عنوان نماینده ملی‌گرایی سنت‌گرایی دینی پایگاه خوبی دارد، و با طرح

این سوال که «آیا از پشتیبانی آن دولت‌ها - که در زمانی که طالبان، قدرت و دولت را در افغانستان در اختیار داشتن از آن حمایت می‌کردند - کاسته شده یا نه؟» عنوان کردند: «نقش بی بدیل پاکستان، امارات و عربستان در به رسمیت شناختن طالبان کمرنگ نشده است، به ویژه پاکستان که افغانستان را عمق استراتژیک و آوردگاه موزانه‌سازی در برابر هندوستان قرار داده است. دور از ذهن است که پاکستان و دولت‌های عربی استفاده ابزاری از طالبان را کنار گذاشته باشند».

مدیر میز افغانستان انجمن علوم سیاسی ایران به نقش امریکا در گفتگوهای صلح اشاره داشتند و گفتند: «جنگ افغانستان برای امریکا طولانی‌ترین جنگ این کشور است و باوجود کارکرد این کشور در فرآیند صلح، باعث بی‌ثبات‌سازی شده است هرچند نقش نیروهای ائتلاف برای دولت سازی و نظم را نمی‌توان نادیده گرفت. امریکا در یک چرخش ۱۸۰ درجه‌ای به جای آن‌که حامی «نظم آمریکا پرورده» و دولت مرکزی‌ای باشد که خودش کمک کرد تا مستقر شود، وارد تعامل و گفت‌وگو با طالبانی شده که به خاطر آن جنگ را شروع کرده بود و الان مشخص نیست در این گفتگوها نقش دولت مرکزی افغانستان چیست؟ این رویکرد حتی نقض معاهده امنیتی کابل - واشنگتن هست. این صلح بیشتر بین طالبان و امریکا بوده و اگر این روند ادامه داشته باشد به معنای نادیده گرفتن جامعه و دولت افغانستان است».

عضو هیأت مدیره انجمن ایرانی مطالعات منطقه‌ای، نادیده گرفتن نقش قدرت‌های منطقه‌ای سودبر در این گفتگوها را عاملی برای تداوم بحران دانست و با مثال عراق بعد از صدام اظهار داشتند: «علت اینکه در عراق پس از صدام در سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۵ سرانجام چالش کردها با دولت مرکزی بغداد به سرانجام مشخصی رسید، به نفوذ و همراهی ایران در روند صلح سازی، دولت سازی و ایجاد نظام فدرال برمی‌گشت که تا به

امروز کمابیش دوام آورده است. در مورد افغانستان این عامل یعنی ایران نادیده گرفته می‌شود و باوجود نقش اولیه ایران در سرکوب طالبان، در ادامه روند، ایران حذف شد. به طبع با این شرایط صلح به گونه‌ای مستحکم پیش نمی‌رود و در میان مدت این وضعیت ادامه دار خواهد بود و نمی‌توانیم وضعیت روشنی در پیشبرد صلح ترسیم کنیم. وقتی دستورکار گفتگوها نه ماه طول کشید بقیه موارد هم به همین منوال پیش خواهد رفت مگر رخدادهایی به وقوع بپیوندد که شگفتی‌سازی کند و عدم قطعیت‌هایی مانند همین تغییر کابینه در آمریکا پیش آید».

یکی از متغیرهایی که توسط دکتر حق پناه به عنوان مولفه‌ای مهم در رابطه با چشم انداز صلح برشمرده شد وجود حزب‌ها، رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی مجازی در افغانستان است که بازگشت افغانستان به دهه هفتاد میلادی را مساله‌ای دور از ذهن می‌نماید. ایشان بیان کردند: «درست است که جامعه مدنی در افغانستان قدرتمند نیست ولی زیر تأثیر جامعه جهانی است و مسائلی مانند زنان را با رویکردهای گذشته برنمی‌تابد حتی اگر این انحصارگری و سرکوب بخواهد به نام دیگری اعمال شود».

اقتصاد متغیر دیگری بود که از نظر دکتر حق پناه می‌تواند در گفتگوهای صلح افغانستان جنبه مثبت و ایجابی داشته باشد و به پیشبرد صلح کمک کند زیرا پویایی اقتصادی پیرامون افغانستان از جمله راهرو بین‌الملل شمال و جنوب، راه ابریشم جدید و انتقال گاز از ترکمنستان به پاکستان و هند از طریق افغانستان وجود دارد که افغانستان در کانون آن قرار گرفته است. ایشان البته اظهار داشتند که اقتصاد در وهله اول در دستورکار گفتگوهای صلح نیست و در انتها بعد از مشخص شدن محورهای سیاسی و امنیتی موضوعیت می‌یابد.

همچنین دکتر حق پناه در رابطه با سیاست دولت جدید امریکا در قبال افغانستان اظهار داشتند: «تا شروع دولت بایدن و حتی پس از آن باید منتظر ماند تا تیم امنیتی و نظامی جدید در امریکا شروع به کار کند و علاوه بر آن بستگی به آن دارد که چه هماهنگی‌ای و چگونه بین اروپا و امریکا در قالب ناتو برای خروج از افغانستان صورت گیرد؟»

دکتر حق پناه در پاسخ به سوال یکی از شرکت کنندگان در این نشست، مبنی بر اینکه آیا ایران از بی ثباتی و نبود امنیت در افغانستان سود خواهد برد؟ گفتند: «اینطور نیست که ایران به خاطر حضور امریکا در افغانستان، تمایل داشته باشد تا فضای داخلی افغانستان ناامن باشد. اگر افغانستان ثبات داشته باشد ایران بیشتر از حوزه تمدنی نوروز یا خراسان بزرگی که گفته می‌شود بهره‌مند خواهد شد که راه آهن مشهد- هرات که یک نمونه عینی آن است».

دکتر حق پناه در پایان، روند صلح را "فرآیندی پیچیده که نمی‌توان آن را به یک گروه شورشی پشتون تقلیل داد" دانست و خاطر نشان کرد که باید به هر یک از متغیرها وزن داد و اندرکنش نهایی را سنجید. ولی آنچه محسوس می‌شود این است که نه طالبان می‌تواند تسلط نظامی پیدا کند نه روند مذاکره فعلا به قطعیت می‌رسد.

در ادامه نشست دکتر غلام یحیی طاهری رئیس دانشکده حقوق و علوم سیاسی غرjestان کابل با ریشه یابی منازعه‌های افغانستان و چشم‌انداز صلح اظهار داشتند: «جنگ و منازعه افغانستان از سال ۱۳۵۷ با کودتای احزاب چپ در افغانستان آغاز شد. با توجه به به جریان جهانی جنگ سرد میان ایالات متحد آمریکا و اتحاد شوروی، آمریکا و متحدین منطقه‌ی آن به منظور جلوگیری از نفوذ بیشتر کمونیسم در منطقه با سامان‌دهی گروه‌های جهادی در کشور پاکستان، به پشتیبانی همه جانبه از

جهاد مردم افغانستان علیه اشغالگری شوروی و سپس بعد از خروج نظامیان شوروی به ادامه جنگ علیه دولت دست نشانده آن پرداختند».

دکتر طاهری با اشاره به نقش پاکستان در مسائل افغانستان بیان کردند: «کشور تازه تاسیس پاکستان به دلیل ضعف اقتصادی بیشترین استفاده را در جهت تجهیز و نوسازی ارتش خود از قبل کمک‌های کشورهای غربی به ویژه ایالات متحد آمریکا و کشورهای عربی حاشیه خلیج برد. راهبرد سازمان جاسوسی ارتش پاکستان و نظامیان آن کشور که در حاکمیت پاکستان قرار داشتند، تداوم جنگ و ویرانی و بی‌ثباتی نظام حاکم در افغانستان به منظور ایجاد حاکمیت جدید و ضعیف زیر نفوذ آن کشور بود. به همین منظور باوجود اینکه حکومت دست نشانده شوروی در افغانستان اعلام مصالحه و آشتی ملی کرد، گروه‌های جهادی که زیر نفوذ پاکستان قرار داشت با رد مصالحه اعلام کردند که با جنگ و جهاد، قدرت به دست خواهند آورد و سرانجام بعد مدتی با سقوط حاکمیت مجاهدین وارد پایتخت افغانستان شدند و حکومت اسلامی را اعلام کردند. حکومت نوپای اسلامی که از گروه‌های قومی و مذهبی مختلف تشکیل شده بود، از یک طرف با خواست‌های هویتی و قومی مواجه بود و از طرفی مطابق خواست کشور پاکستان شکل گرفته بود که در نتیجه نظامیان پاکستان با نفوذ گسترده‌ی که بر گروه‌های جهادی داشتند آتش جنگ‌های داخلی را شعله‌ور ساخته، اردوی افغانستان و تجهیزات جنگی آن شامل جت‌ها، هلیکوپترها، تانک‌ها و موشک‌های میان‌برد اسکاد که از دوره اشغالگری شوروی باقی مانده بود را از بین بردند. ایشان اضافه کردند: «با تداوم جنگ، پاکستان طلاب دینی را که در مدارس آن کشور تربیت شده بودند، در پوشش تحریک اسلامی طالبان تجهیز و وارد افغانستان کرد. مردم خسته از جنگ افغانستان در ابتدا از شکل‌گیری آن خشنود بودند تا اینکه این گروه به نیابت از پاکستان بخش اعظم از خاک

افغانستان را زیر تصرف خود قرارداد و قرائت رادیکال خود را از اسلام بیان داشت و اقلیت‌های قومی و مذهبی را زیر فشار قرار داد. پاکستان که از یک طرف با ادعای ارضی از طرف افغانستان مواجه بود و از طرف دیگر در حال منازعه با کشور هندوستان -دوست دیرینه سیاسی و اقتصادی افغانستان- قرار داشت، با حاکمیت طالبان احساس امنیت کرده و با پشتیبانی کشورهای عربی مانند عربستان سعودی و امارات ادعای ایجاد کنفدراسیون اسلامی را مطرح کرد».

رئیس دانشکده حقوق و علوم سیاسی غرjestان کابل، با بیان اینکه حاکمیت طالبان به شکل گسترده از کشت و قاچاق مواد مخدر و ارتباط با القاعده بهره می‌برد که با حملات یازدهم سپتامبر بر برج‌های مرکز تجارت جهانی در نیویورک، این گروه مورد خشم آمریکا قرار گرفت. در آغاز با حملات موشکی و سپس با مجوز شورای امنیت سازمان ملل متحد ایالات متحد و دیگر کشورهای متحد آن در سازمان ناتو، وجود القاعده و طالبان را با حمله‌های نظامی از افغانستان پاک سازی کردند. کشور پاکستان از این فرصت نیز استفاده کرده و با همکاری لجستیکی و در اختیار قرار دادن پایگاه‌های نظامی و مسیر تدارکاتی از کمک‌های مالی ایالات متحد استفاده کرد. سرانجام با شکل گیری حکومت جدید در افغانستان، پایه و تدوین قانون اساسی نظام نوپای سیاسی افغانستان با الگوی مردم‌سالاری غربی به وجود آمد. این نظام از یک طرف با مشارکت اقلیت‌های قومی محروم از صحنه قدرت شکل گرفت از طرف دیگر الگوی جدید مثل آزادی‌های مذهبی، آزادی‌های مدنی و سیاسی در آن نهادینه شد که خود زمینه اختلاف و شکاف‌های قومی را فراهم ساخت زیرا قومیت پشتون که سال‌ها قدرت را به صورت مطلق در اختیار داشتند احساس شکست سیاسی کردند. از طرف دیگر مناسبات سیاسی و اقتصادی دولت افغانستان با هندوستان زمینه حساسیت بیشتر

پاکستان و چین را فراهم ساخت. سرانجام نظامیان پاکستان با تجهیز دوباره گروه‌های افراطی زیر نام طالبان علیه دولت افغانستان و نظامیان خارجی دست به جنگ، شورش و کشتار زدند.

دکتر طاهری در رابطه با نقش امریکا در افغانستان گفتند: «ایالات متحد آمریکا ابتدا با تقویت قوای نظامی کوشید شورش‌ها را سرکوب کند که باتوجه به جغرافیای افغانستان ناکام شد. سپس با خارج ساختن بخش زیادی از نظامیان خود با جایگزین کردن حملات هوایی و شبانه توسط هواپیماهای بدون سرنشین فشار را بر طالبان افزود که سرانجام آنان را وادار به گفتگوهای مستقیم با نمایندگان وزرات خارجه امریکا و توافق صلح کرد. آمریکا در سیاست‌های حمایتی خود در منطقه، همواره پاکستان را متحد اصلی خود دانسته و بر افغانستان ترجیح داده است. از همین رو تجهیزات سنگین نظامی خود را پس از ترک افغانستان در اختیار پاکستان قرار داده و از تجهیز ارتش افغانستان با سلاح‌های سنگین و پیشرفته خودداری کرده است».

ایشان در انتهای سخنان خودشان نتیجه‌گیری‌ای از چشم انداز صلح در افغانستان در ده گزاره ارائه دادند:

۱. صلح افغانستان راه دشوار و طولانی در پیش رو خواهد داشت.

۲. صلح زمانی میسر خواهد بود که دولت افغانستان با دیپلماسی قوی، اعتماد کشورهای همسایه خود را به دست آورد.

۳. در حال حاضر یک واگرایی میان منافع همسایگان افغانستان و تلاش‌های آنان برای دست یابی به صلح وجود دارد.

۴. در حال حاضر منافع‌هایی که کشورهای عضو ناتو در افغانستان دنبال می‌کنند با کشورهای منطقه و همسایه افغانستان متضاد و ناهمگون است.

۵. جمهوری اسلامی ایران یک کشور بانفوذ و دارای منافع خاص در افغانستان است که در حال حاضر نقشی رسمی در گفتگوهای صلح به آن داده نشده و از طرف آمریکایی‌ها نادیده گرفته شده است.
۶. دولت جدید آمریکا و سیاست‌های بین‌المللی آن در تسریع روند صلح نقش اساسی خواهد داشت.
۷. ممکن است صلح با بخشی از گروه طالبان صورت بگیرد اما گروه‌های افراطی دیگری زیر نام داعش در حال تجهیز از طرف کشورهای خاص به منظور ایجاد بی‌ثباتی در مرزهای شمالی افغانستان با کشورهای آسیای میانه هستند.
۸. صلح واقعی زمانی ممکن خواهد بود که کشور پاکستان از تجهیز و ساماندهی گروه‌های افراطی دست بردارد.
۹. آمریکا در قبال پیمان امنیتی که با کشور افغانستان دارد و هم چنین پیمان مصالحه که با طالبان، رفتاری دوگانه دارد. گاهی به صورت مقطعی با استفاده از طالبان دولت افغانستان را زیر فشار قرار می‌دهد تا به خواسته‌های آن تن دهد و گاهی برعکس با حملات مستقیم بر گروه طالبان آنان را زیر فشار قرار می‌دهد، این رفتار نشانه صداقت نداشتن این کشور است.
۱۰. کشت و قچاق مواد مخدر بخشی دیگر از عوامل ادامه خشونت در افغانستان است و تا زمانی که این وضعیت ادامه داشته باشد، صلح پایدار محقق نخواهد شد.

پایان

انجمن ایرانی مطالعات منطقه‌ای

آدرس: تهران، خیابان انقلاب، دانشکده

حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

تلفن: ۰۲۱۶۶۴۱۹۸۰۴

نمبر: ۰۲۱۶۶۴۱۹۷۰۴-۰۲۱۶۶۹۵۳۹۹۶۰

پست الکترونیک:

info@irsa.org.ir

تارنما:

irsa.org.ir

Iranian Regional Studies Association

Address: Faculty of Law and
Political Science, University of
Tehran, Enghelab Ave, Tehran,
Iran.

Website: irsa.org.ir

Email: info@irsa.org.ir

Tel No: +982166419704